

دوفصلنامه علمی - تخصصی روابط آفریقا آسیا، دوره اول شماره دو / پاییز و زمستان سال ۱۴۰۳

رشد جایگاه کشورهای شمال آفریقا در راهبردهای کلان چین؛ مزایا و چالش‌ها

دکتر حسین ابراهیم‌نیا*

پژوهشگر گروه مطالعات سیاسی مرکز مطالعات آفریقا دانشگاه تربیت مدرس.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۹

چکیده

این مقاله به بررسی روابط رو به رشد چین با کشورهای شمال آفریقا می‌پردازد و بر جنبه‌های اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی این تعاملات تمرکز دارد. پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه چین توانسته است حضور خود را در شمال آفریقا گسترش دهد و این گسترش چه تأثیری بر روابط این کشورها با شرکای سنتی غربی آن‌ها خواهد داشت. فرضیه تحقیق این است که توسعه روابط چین با شمال آفریقا، در عین حال که فرصت‌های اقتصادی جدیدی برای این کشورها ایجاد می‌کند، می‌تواند به چالش‌هایی در روابط آن‌ها با کشورهای غربی منجر شود. اهداف تحقیق در مرحله نخست تحلیل انگیزه‌های چین برای گسترش حضور خود در شمال آفریقا، به ویژه در چارچوب ابتکار کمربند و جاده و در همین راستا تأثیرات اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی روابط چین با کشورهای شمال آفریقا، از جمله در کشورهای مراکش، مصر، الجزایر، تونس و لیبی است؛ تحقیق تلاش می‌کند که نشان دهد، چین در راهبردی‌های کلان در نظر گرفته با استفاده از ترکیبی از قدرت نرم و سخت، به دنبال تقویت روابط خود با کشورهای شمال آفریقا است. در حالی که کشورهایی مانند مراکش به دلیل استراتژی‌های صنعتی جاه‌طلبانه و زیرساخت‌های در حال رشد خود آماده‌تر به نظر می‌رسند، دیگر کشورها مانند مصر و الجزایر هنوز با موانع بزرگی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مواجه هستند؛ نتیجه نشان می‌دهد که روابط چین با شمال آفریقا، هرچند فرصت‌های اقتصادی و زیرساختی فراوانی را فراهم می‌کند؛ اما می‌تواند به تنش‌هایی با شرکای سنتی غربی این کشورها منجر شود. همچنین، مسائل امنیتی منطقه‌ای مانند درگیری صحرای غربی و جنگ لیبی ممکن است نیازمند مشارکت فعال‌تر چین در این مسائل باشد. بر همین اساس پژوهش تلاش دارد با توجه به حساسیت و سیال بودن موضوع، باگردآوری مجموعه اطلاعات ضروری، به توصیف، تجزیه، تحلیل و استنباط روابط داده‌های مزبور

*Email: phd.ebrahimnia@gmail.com

پرداخته تا میزان اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر مورد سنجش قرار گیرد؛ همچنین تحقیق از حیث ماهیت کاربردی و با رویکرد توصیفی و تحلیلی با مدل گردآوری اسنادی_کتابخانه‌ای و روش مطالعه موردی کشورهای ذکر شده، به بررسی دقیق راهبردهای کلان، به جهت درک بهتری از پویایی‌های روابط چین و شمال آفریقا و تأثیرات آن بر نظم جهانی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: چین، شمال آفریقا، وابستگی، راهبرد سیاسی، رقابت.

مقدمه

با کاهش تدریجی حضور ایالات متحده در خاورمیانه و شمال آفریقا و مواجهه اتحادیه اروپا با چالش‌های داخلی و اقتصادی، یک بازیگر جدید به نام چین به آرامی در حال گسترش نفوذ خود در این مناطق است. چین، از طریق استراتژی‌های اقتصادی و دیپلماتیک، به ویژه در چارچوب ابتکار کمربند و جاده^۱ توانسته است به صورت جدی وارد کشورهای شمال آفریقا شود. کشورهایی مانند مصر، الجزایر، مراکش و تونس که در تقاطع سه منطقه کلیدی خاورمیانه، آفریقا و مدیترانه قرار دارند، اکنون به عنوان شریکان کلیدی در استراتژی‌های کلان چین ایفای نقش می‌کنند. نفوذ فزاینده چین در این کشورها نه تنها به صورت اقتصادی؛ بلکه در ابعاد دیپلماتیک و امنیتی نیز مشهود است.

چین در تلاش است از طریق توسعه تجارت، زیرساخت‌ها، بنادر، حمل‌ونقل، همکاری‌های مالی، گردشگری و تولید، شمال آفریقا را به عنوان نقطه اتصالی بین آسیا، آفریقا و اروپا معرفی کند. یکی از اهداف کلیدی ابتکار کمربند و جاده، ایجاد شبکه‌ای از زیرساخت‌های تجاری و حمل‌ونقل در سراسر جهان است که بتواند منافع استراتژیک اقتصادی چین را تضمین کند. با وجود اینکه در نقشه رسمی BRI^۲، تنها مصر به عنوان کشور مشارکت‌کننده در این پروژه به صورت رسمی ذکر شده، تفاهم‌نامه‌های^۳ دوجانبه بین چین و دیگر کشورهای شمال آفریقا امضا شده است. این موضوع نشان‌دهنده گسترش حضور چین در منطقه است. از نظر اقتصادی، شمال آفریقا به دلیل موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی، اهمیت استراتژیک ویژه‌ای برای چین دارد. سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های کلیدی نظیر بنادر، راه‌آهن و پروژه‌های انرژی، به ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، در این

1. Belt and Road Initiative - BRI

۲. ابتکار کمربند و جاده

3. MoUs

کشورها به شدت افزایش یافته است؛ برای نمونه، چین در پروژه‌هایی مانند توسعه بندر طنجه-مد در مراکش، بنادر مصر و پروژه‌های زیرساختی دیگر در الجزایر و تونس سرمایه‌گذاری‌های چشم‌گیری انجام داده است. این سرمایه‌گذاری‌ها به‌طور قابل‌توجهی به بهبود زیرساخت‌ها در این کشورها کمک کرده‌اند و در عین حال، نفوذ اقتصادی چین را افزایش داده‌اند. به‌ویژه مراکش با زیرساخت‌های صنعتی در حال رشد و استراتژی‌های جاه‌طلبانه صنعتی، به یکی از محورهای کلیدی در برنامه‌های کلان اقتصادی چین تبدیل شده است.

در همین حال، دیگر کشورهای منطقه نظیر مصر و الجزایر همچنان با موانع بزرگی در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی مواجه هستند؛ برای مثال، در مصر، پیچیدگی‌های قانونی و بوروکراسی‌های سنگین همچنان موانعی جدی برای سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد کرده است. الجزایر نیز با وجود ثروت عظیم نفتی، به دلیل فقدان ثبات سیاسی و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، نتوانسته است از فرصت‌های کامل سرمایه‌گذاری چینی بهره‌برداری کند.

از منظر دیپلماسی، حضور مدارس کنفوسیوسی در کشورهای شمال آفریقا یکی از جلوه‌های برجسته قدرت نرم چین به شمار می‌رود. این مدارس که به‌منظور ترویج زبان و فرهنگ چینی تأسیس شده‌اند، به چین کمک می‌کنند تا از طریق ایجاد تعاملات فرهنگی و آموزشی، نفوذ خود را در میان نسل جوان این کشورها گسترش دهد. حضور این مدارس در کشورهای نظیر مراکش، مصر و تونس، به‌عنوان نمادی از قدرت نرم چین، نه تنها به تعاملات فرهنگی بلکه به تقویت روابط دیپلماتیک نیز کمک کرده است. این مدارس همچنین به ترویج تصویر مثبت چین در میان جوامع محلی و افزایش آگاهی از فرهنگ و زبان چینی منجر شده‌اند که در نهایت می‌تواند به تسهیل روابط اقتصادی و سیاسی میان چین و کشورهای میزبان منجر شود.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های چین در شمال آفریقا از طریق پروژه BRI نیازمند بررسی دقیق‌تری است. بررسی میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در هر کشور و تحلیل تفاوت‌های موجود میان سرمایه‌گذاری‌های چین در کشورهای نظیر مراکش، مصر، الجزایر، تونس و لیبی می‌تواند دیدگاهی جامع از اهداف استراتژیک چین در منطقه ارائه دهد؛ درحالی‌که سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای در بخش‌های زیرساختی کشورهای بزرگ‌تر مانند مصر و مراکش صورت گرفته است، کشورهای

1. Tangier Med Port (به عربی: ميناء طنجة المتوسط)

کوچک‌تری نظیر تونس هنوز به سرمایه‌گذاری‌های کمتری دست یافته‌اند. این تفاوت‌ها نیازمند تحلیل دقیق و مقایسه‌ای هستند تا استراتژی‌های چین برای هر کشور بهتر درک شود.

علاوه بر ابعاد اقتصادی و دیپلماتیک، نقش امنیتی چین در منطقه نیز در حال افزایش است. با توجه به ناآرامی‌های موجود در برخی از کشورهای شمال آفریقا مانند لیبی و درگیری‌های صحرای غربی، چین ممکن است به‌طور فزاینده‌ای در مسائل امنیتی این منطقه نیز مشارکت کند. هرچند تاکنون چین سیاست غیرمداخله‌گری را در این مسائل دنبال کرده است؛ اما با توجه به گسترش منافع اقتصادی و دیپلماتیک این کشور در شمال آفریقا، احتمال افزایش مشارکت امنیتی چین در آینده وجود دارد. به‌ویژه در لیبی، با توجه به نقش کلیدی این کشور در تأمین انرژی و ذخایر نفتی، چین ممکن است در روند بازسازی پس از جنگ این کشور نقش مهمی ایفا کند.

سؤال اصلی این تحقیق این است که چگونه چین توانسته است حضور خود را در شمال آفریقا گسترش دهد و این گسترش چه تأثیری بر روابط این کشورها با شرکای سنتی غربی آن‌ها خواهد داشت؟ این پرسش با توجه به تنش‌های موجود بین کشورهای غربی و چین و افزایش رقابت بین این دو قطب جهانی از اهمیت بالایی برخوردار است. توسعه روابط چین با کشورهای شمال آفریقا، در عین حال که فرصت‌های اقتصادی جدیدی را برای این کشورها فراهم می‌کند، می‌تواند به چالش‌هایی در روابط آن‌ها با کشورهای غربی منجر شود. فرضیه اصلی بیان می‌دارد که گسترش نفوذ چین در شمال آفریقا، به‌ویژه از طریق پروژه BRI و تقویت روابط اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی، نه تنها به این کشورها فرصت‌های جدیدی برای توسعه اقتصادی ارائه می‌دهد؛ بلکه به دلیل تغییر در توازن قدرت منطقه‌ای، تنش‌هایی را با شرکای سنتی غربی این کشورها ایجاد می‌کند. این تنش‌ها ممکن است منجر به رقابت بیشتر بین چین و غرب در شمال آفریقا شود و بر روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی این منطقه تأثیرگذار باشد. بر همین اساس تحقیق در مرحله نخست تحلیل انگیزه‌های چین برای گسترش حضور خود در شمال آفریقا، به ویژه در چارچوب ابتکار کمربند و جاده و در همین راستا تأثیرات اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی روابط چین با کشورهای شمال آفریقا، از جمله در کشورهای مراکش، مصر، الجزایر، تونس و لیبی است؛ تحقیق تلاش می‌کند که نشان دهد، چین در راهبردی‌های کلان در نظر گرفته با استفاده از ترکیبی از قدرت نرم و سخت، به دنبال تقویت روابط خود با کشورهای شمال آفریقا است؛ درحالی که کشورهایی مانند مراکش به دلیل استراتژی‌های صنعتی جاه‌طلبانه و زیرساخت‌های در حال رشد خود آماده‌تر به نظر می‌رسند، دیگر کشورها مانند مصر و الجزایر هنوز با

موانع بزرگی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مواجه هستند؛ لذا پژوهش تلاش دارد با توجه به حساسیت و سیال بودن موضوع، باگردآوری مجموعه اطلاعات ضروری، به توصیف، تجزیه، تحلیل و استنباط روابط داده‌های مزبور پرداخته تا میزان اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر مورد سنجش قرار گیرد؛ همچنین تحقیق از حیث ماهیت کاربردی و با رویکرد توصیفی و تحلیلی بامدل گردآوری اسنادی_کتابخانه‌ای و روش مطالعه موردی کشورهای ذکر شده به بررسی دقیق راهبردهای کلان، به جهت درک بهتری از پویایی‌های روابط چین و شمال آفریقا و تأثیرات آن بر نظم جهانی می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

تحقیقات درباره روابط چین و کشورهای شمال آفریقا در دو دهه اخیر افزایش یافته است. این روابط به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و دیپلماتیک مورد توجه قرار گرفته‌اند. در سال‌های گذشته، چین به عنوان یک قدرت اقتصادی در حال ظهور، به طور فزاینده‌ای به تأسیس همکاری‌های استراتژیک با کشورهای این منطقه پرداخته است؛ به عنوان مثال، حضور چین در الجزایر و تونس به وضوح نشان‌دهنده تلاش‌های این کشور برای گسترش نفوذ خود در آفریقا است. چین در سال ۲۰۱۳ ابتکار کمربند و جاده (BRI) را معرفی کرد که هدف آن بهبود زیرساخت‌ها و ارتباطات تجاری در کشورهای در حال توسعه است. این ابتکار به ویژه در شمال آفریقا تأثیر زیادی گذاشته و زمینه‌ساز روابط اقتصادی و تجاری جدیدی شده است. تحقیقات نشان می‌دهند که کشورهای شمال آفریقا از فرصت‌های اقتصادی چین بهره‌برداری کرده و در عین حال با چالش‌هایی در روابط با شرکای سنتی خود مانند اروپا و ایالات متحده روبه‌رو هستند.

اغلب مطالعات پیشین بر این نکته تأکید دارند که چین از طریق سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، تسلیحات و تبادل فرهنگی به تقویت روابط خود با کشورهای شمال آفریقا پرداخته است؛ با این حال، انتقادات نسبت به روش‌های چین و نگرانی‌هایی درباره وابستگی به این کشور نیز وجود دارد. برخی پژوهشگران به مسأله "دیپلماسی بدهی" و تأثیر آن بر استقلال سیاسی کشورهای دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری چینی پرداخته‌اند. از سوی دیگر، تأثیرات ژئوپلیتیکی و امنیتی روابط چین و شمال آفریقا نیز بررسی شده است. در حالی که چین تمایل دارد از مداخله نظامی در درگیری‌ها اجتناب کند؛ اما گسترش نفوذ آن در این منطقه می‌تواند چالش‌هایی برای نظم کنونی ایجاد کند.

در جدول زیر چند نمونه تحقیق در زمینه روابط چین و کشورهای شمال آفریقا و تأثیرات آنها آورده شده است:

جدول ۱: پیشینه پژوهش

عنوان تحقیق به فارسی	عنوان تحقیق به انگلیسی	نام نگارندگان	سال تحقیق	نتایج به دست آمده
ابتکار کمربند و جاده چین و تأثیر آن بر شمال آفریقا	China's Belt and Road Initiative and Its Impact on North Africa	Xinhua News	۲۰۲۲	ابتکار کمربند و جاده به کشورهای شمال آفریقا فرصت‌های جدیدی برای توسعه زیرساخت‌ها و افزایش تجارت فراهم کرده است؛ اما چالش‌هایی نیز در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی وجود دارد.
روابط چین و آفریقا: فرصت‌ها و چالش‌ها	China-Africa Relations: Opportunities and Challenges	John Wong	۲۰۱۶	همکاری چین و کشورهای آفریقایی به ویژه در شمال آفریقا به ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید منجر شده است؛ اما موانع فرهنگی و زبانی همچنان چالش‌هایی برای این روابط ایجاد می‌کند.
پیامدهای ژئوپولیتیکی نفوذ فزاینده چین	Geopolitical Implications of China's Growing Influence	Frederic Wehry & Sandy Alkoutami	۲۰۲۰	نفوذ چین در شمال آفریقا ممکن است منجر به تغییر موازنه قدرت در منطقه و ایجاد تنش‌های جدید با قدرت‌های غربی شود، به ویژه در زمینه تأمین انرژی و امنیت.
دیپلماسی بدهی و توسعه	Debt Diplomacy and Development	Various Authors	۲۰۲۲	سیاست‌های وام‌دهی چین ممکن است به وابستگی مالی کشورهای شمال آفریقا منجر شود و چالش‌هایی در زمینه دیپلماسی و توسعه پایدار ایجاد کند.
قدرت نرم و تبادل فرهنگی	Soft Power and Cultural Exchange	Albert, E	۲۰۲۳	چین از قدرت نرم خود برای تقویت روابط با کشورهای شمال آفریقا استفاده می‌کند، به ویژه از طریق تبادل فرهنگی و آموزشی که می‌تواند به افزایش همکاری‌های دو جانبه منجر شود.
همکاری‌های امنیتی بین چین و شمال آفریقا	Security Cooperation between China and North Africa	Various Authors	۲۰۲۲	همکاری‌های امنیتی بین چین و کشورهای شمال آفریقا چالش‌های خاصی را به همراه دارد، از جمله نگرانی‌ها درباره مداخله در امور داخلی و نیاز به تقویت اعتماد متقابل.

این تحقیق بر آن است تا بررسی کند چگونه چین توانسته است حضور خود را در شمال آفریقا گسترش دهد و این گسترش چه تأثیری بر روابط این کشورها با شرکای سنتی غربی آنها خواهد داشت. فرضیه اصلی این پژوهش این است که توسعه روابط چین با شمال آفریقا، در عین حال که فرصت‌های اقتصادی جدیدی برای این کشورها ایجاد می‌کند، می‌تواند به چالش‌هایی در

روابط آن‌ها با کشورهای غربی منجر شود. با توجه به این زمینه‌های پژوهشی، این مقاله تلاش دارد تا با تجزیه و تحلیل دقیق روابط چین و کشورهای شمال آفریقا، به درک بهتری از دینامیک‌های موجود در این روابط و تأثیرات آن بر روابط بین‌المللی دست یابد؛ بنابراین در یک جمع‌بندی این تحقیق نوآوری‌های قابل توجهی نسبت به تحقیقات گذشته دارد. نخست، این مطالعه بر تأثیرات خاص گسترش روابط چین در شمال آفریقا بر تعاملات این کشورها با شرکای سنتی غربی تمرکز دارد که کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که بسیاری از پژوهش‌ها بر روی فرصت‌ها و چالش‌های اقتصادی تأکید می‌کنند، این تحقیق همچنین به ابعاد امنیتی و سیاسی روابط چین و شمال آفریقا می‌پردازد. علاوه بر این، این تحقیق از داده‌های به‌روز و جدید استفاده می‌کند که اطلاعاتی از سال‌های ۲۰۲۱ به بعد را شامل می‌شود، و بدین ترتیب تصویری واضح‌تر و دقیق‌تر از تحولات اخیر ارائه می‌دهد. همچنین، این مطالعه به بررسی نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی در ارتباط با نفوذ چین و پیامدهای آن برای روابط محلی و بین‌المللی می‌پردازد که در تحقیقات قبلی کمتر به آن پرداخته شده است. در نهایت، تأکید بر ایجاد همکاری‌های متوازن و پایدار میان چین و کشورهای شمال آفریقا، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی، به عنوان یک استراتژی کلیدی برای جلوگیری از تکرار چالش‌های کشورهای دیگر، به این تحقیق ارزش افزوده‌ای می‌دهد.

چارچوب مفهومی

در این تحقیق به تحلیل و تبیین روابط چین با کشورهای شمال آفریقا از دیدگاه نظریه وابستگی^۱ می‌پردازیم. این رویکرد به ما اجازه می‌دهد تا به طور جامع‌تر به بررسی ابعاد مختلف اقتصادی، استراتژیک، فرهنگی و هنجاری این روابط پرداخته و تأثیرات آن را بر منطقه شمال آفریقا و نظم جهانی تحلیل کنیم. یکی از نظریه‌هایی که طرفداران آن سعی در یافتن و بیان علل توسعه و عدم توسعه اقتصادی داشته‌اند، نظریه وابستگی بوده است. نظریه مورد بحث شامل نوشته‌های فراوان است و بسیاری مفهوم‌ها و روش‌ها را در بر می‌گیرد؛ ولی وجه امتیاز همه متفکران و نویسندگانی که در این حوزه کار کرده‌اند این بوده که توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورهای توسعه نیافته را

1 . Dependency Theory

مقید به نیروهای خارجی، یعنی سلطه‌ی کشورهای قویتر بر این کشورهای ضعیف‌تر دانسته‌اند (Ferraro, 2008). طرفداران نظریه وابستگی معتقدند «اضافه» ای وجود دارد که کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری آن را از کشورهای توسعه نیافته می‌ربایند. کشور توسعه نیافته با فقر دست به گریبان می‌شود و نمی‌تواند رشد کند؛ زیرا به «اضافه» متعلق به خودش دسترس ندارد. این «اضافه» به دست کشورهای سرمایه‌داری تصاحب و در خود آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و یکی از علت‌های عمده توسعه سریع اقتصادی در آنجاست. فرض در نظریه وابستگی بر این است که این ربایش و تصاحب نه تنها علت پیدایش؛ بلکه سبب تداوم نابرابری کشورهاست (Cardoso, 1979).

چارچوب تحلیل مفهومی نظریه وابستگی به بررسی چگونگی وابستگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته می‌پردازد و معتقد است که این وابستگی منجر به حفظ نابرابری‌ها و توسعه ناپایدار در کشورهای در حال توسعه می‌شود (Dos Santos, 1970). براساس این نظریه، روابط اقتصادی و تجاری میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بیشتر به نفع کشورهای توسعه‌یافته است و سبب می‌شود که کشورهای در حال توسعه نتوانند به طور مستقل به توسعه پایدار دست یابند.

چارچوب مفهومی: روابط چین و کشورهای شمال آفریقا در بستر نظریه وابستگی

روابط چین با کشورهای شمال آفریقا در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین پدیده‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی تبدیل شده است. این روابط از طریق سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زیرساخت‌ها، پروژه‌های اقتصادی و همچنین توسعه همکاری‌های دیپلماتیک و فرهنگی تقویت شده‌اند. برای تحلیل دقیق این روابط، نظریه وابستگی می‌تواند به عنوان چارچوبی مناسب مورد استفاده قرار گیرد که بر نابرابری‌های اقتصادی و وابستگی کشورهای کمتر توسعه‌یافته به قدرت‌های بزرگ تأکید دارد.

۱. وابستگی اقتصادی: براساس نظریه وابستگی، کشورهای در حال توسعه مانند مصر، الجزایر، مراکش و تونس در تعاملات اقتصادی خود با چین به شدت وابسته می‌شوند. چین با استفاده از ابزارهایی همچون ابتکار کمربند و جاده (BRI)، سرمایه‌گذاری‌های کلان در پروژه‌های زیرساختی مانند بنادر، راه‌آهن‌ها و نیروگاه‌ها انجام می‌دهد. این سرمایه‌گذاری‌ها اگرچه در کوتاه‌مدت به این کشورها کمک می‌کند تا نیازهای زیرساختی خود را برطرف کنند؛ اما در

بلندمدت ممکن است وابستگی اقتصادی آن‌ها به چین را افزایش داده و نابرابری‌های اقتصادی میان چین و این کشورها را تشدید کند؛ به طور مثال، سرمایه‌گذاری‌های کلان چین در پروژه‌های صنعتی و لجستیکی مراکش، این کشور را به یکی از نقاط کلیدی در استراتژی جهانی چین تبدیل کرده است. با این حال، نیاز به ایجاد توازن در این روابط و جلوگیری از وابستگی بیش از حد به یک کشور بزرگ همچنان وجود دارد.

۲. تفاوت‌های اقتصادی و سیاسی بین کشورهای شمال آفریقا: هرچند روابط چین با تمامی کشورهای شمال آفریقا در چارچوب BRI گسترش یافته است؛ اما هر کشور ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی خاص خود را دارد. به طور مثال، مراکش به دلیل استراتژی‌های صنعتی جاه‌طلبانه و زیرساخت‌های رو به رشد خود، آماده‌تر برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌ویژه از چین به‌نظر می‌رسد؛ درحالی که کشورهایمانند مصر و الجزایر با موانع بزرگ‌تری در این حوزه مواجه هستند. الجزایر با ساختار دولتی قوی و تمرکز بر منابع نفتی، رویکردی محافظه‌کارانه‌تر در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارد؛ درحالی که مصر به دلیل مشکلات داخلی و موانع بوروکراتیک با چالش‌هایی در جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید مواجه است؛ بنابراین، تحلیل تفاوت‌های اقتصادی و سیاسی این کشورها می‌تواند به درک عمیق‌تر از استراتژی‌های چین در شمال آفریقا کمک کند.

۳. تأثیرات فرهنگی و اجتماعی (مدارس کنفوسیوسی به عنوان ابزار قدرت نرم): چین نه تنها از طریق پروژه‌های اقتصادی؛ بلکه از طریق توسعه فرهنگی نیز در حال گسترش نفوذ خود در شمال آفریقا است. مدارس کنفوسیوسی به‌عنوان نماد قدرت نرم چین در بسیاری از کشورهای شمال آفریقا تأسیس شده‌اند و به آموزش زبان و فرهنگ چینی پرداخته‌اند. این مدارس به‌طور قابل توجهی به ایجاد بسترهای فرهنگی برای همکاری‌های بلندمدت میان چین و این کشورها کمک می‌کنند. با این حال، چالش‌های زبانی و فرهنگی میان دو طرف همچنان وجود دارد. تعاملات فرهنگی بین چین و کشورهای شمال آفریقا به توسعه بهتر همکاری‌های اقتصادی نیز منجر می‌شود؛ اما باید به موانع موجود در این زمینه نیز توجه کرد.

۴. نقش پروژه BRI: تحلیل سرمایه‌گذاری‌ها به تفکیک کشورها: ابتکار کمربند و جاده (BRI) یکی از اصلی‌ترین ابزارهای چین برای توسعه روابط خود با شمال آفریقا است. این پروژه‌ها به تفکیک کشورها شامل سرمایه‌گذاری‌های کلانی در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی و صنعتی

می‌شود؛ برای مثال، در مراکش، پروژه‌هایی مانند توسعه بندر طنجه مد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز لجستیکی آفریقا و مدیترانه برجسته است. در مصر، چین به پروژه‌هایی مانند توسعه شبکه راه‌آهن و ساخت نیروگاه‌های برق‌آبی توجه دارد. هرچند این پروژه‌ها به توسعه اقتصادی کشورهای میزبان کمک می‌کند؛ اما باید توجه داشت که برخی از این کشورها با بحران بدهی مواجه شده و احتمال وابستگی شدید به چین را افزایش داده‌اند.

۵. چالش‌های ژئوپلیتیکی و دیپلماتیک: تعامل با غرب و چین: گسترش روابط چین با کشورهای شمال آفریقا به چالش‌هایی در روابط این کشورها با شرکای سنتی غربی آن‌ها منجر می‌شود. اروپا و آمریکا که سابقاً مهم‌ترین شرکای اقتصادی و دیپلماتیک کشورهای شمال آفریقا بوده‌اند، اکنون با حضور فزاینده چین در این منطقه مواجه شده‌اند. این وضعیت ممکن است باعث تنش‌های ژئوپلیتیکی شود و کشورهای شمال آفریقا مجبور شوند میان منافع اقتصادی ناشی از روابط با چین و حفظ روابط استراتژیک با غرب توازن برقرار کنند. به‌ویژه در موضوعاتی مانند درگیری صحرای غربی و جنگ داخلی لیبی، حضور فعال‌تر چین در مسائل امنیتی منطقه‌ای نیز ممکن است ضروری شود.

شکل ۱: چارچوب مفهومی تحقیق براساس دیدگاه نظریه وابستگی_ (منبع: نگارنده)



توسعه روابط چین با کشورهای شمال آفریقا، در عین حال که فرصت‌های اقتصادی جدیدی برای این کشورها ایجاد می‌کند، می‌تواند به چالش‌هایی در روابط آن‌ها با کشورهای غربی منجر شود. براساس نظریه وابستگی^۱، افزایش وابستگی اقتصادی به چین ممکن است منجر به نابرابری‌های تجاری و اقتصادی، تأثیرات منفی اجتماعی و فرهنگی، و واکنش‌های منفی از سوی کشورهای غربی شود. برای مدیریت این چالش‌ها، کشورهای شمال آفریقا باید استراتژی‌های مناسبی برای حفظ تعادل میان روابط با چین و شرکای سنتی غربی خود اتخاذ کنند و به دنبال راهکارهای متنوع‌سازی روابط اقتصادی و دیپلماتیک خود باشند.

رابطه معاصر چین با شمال آفریقا

در طول دهه گذشته، روابط چین با کشورهای شمال آفریقا به‌طور چشمگیری توسعه یافته است، به‌ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۸ و بحران منطقه یورو، کشورهای شمال آفریقا که به‌طور سنتی به روابط اقتصادی با اروپا و ایالات متحده وابسته بودند، به سمت چین متمایل شدند. پس از سال ۲۰۲۱، به‌ویژه با افزایش پروژه‌های زیرساختی و سرمایه‌گذاری‌های گسترده چین از طریق ابتکار کمربند و جاده (BRI)، شاهد رشد چشمگیر این روابط بوده‌ایم. چین همچنان یکی از بزرگترین بازیگران اقتصادی در منطقه باقی مانده و نقش محوری را در اقتصاد و توسعه کشورهای شمال آفریقا ایفا کرده است. کشورهای مصر، الجزایر، و مراکش به‌طور خاص از مشارکت استراتژیک با چین بهره‌مند شده‌اند (Xinhua, 2022).

۱. براساس تحلیل فوق، چارچوب مفهومی نظریه وابستگی برای درک روابط چین با کشورهای شمال آفریقا و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها به‌خوبی کارآمد است. در حالی که این روابط فرصت‌های اقتصادی و زیرساختی جدیدی را برای کشورهای شمال آفریقا به‌وجود می‌آورد، چالش‌هایی از جمله افزایش وابستگی اقتصادی و تنش با شرکای غربی را نیز به همراه دارد. برای جلوگیری از نابرابری‌های اقتصادی و وابستگی‌های بیش از حد، این کشورها باید به دنبال متنوع‌سازی روابط خود و بهره‌برداری متعادل از فرصت‌های سرمایه‌گذاری باشند.

جدول ۱: سطح توافق مشارکت چین با کشورهای شمال آفریقا

کشور	سال	سطح توافق نامه مشارکت
مصر	۲۰۱۴	مشارکت‌های استراتژیک جامع CSPS
لیبی	۲۰۱۸	تفاهم‌نامه (یادداشت تفاهمی MOU)
تونس	۲۰۱۸	تفاهم‌نامه (یادداشت تفاهمی MOU)
الجزایر	۲۰۱۴	مشارکت‌های استراتژیک جامع CSPS
مراکش	۲۰۱۶	مشارکت‌های استراتژیک SPS

این مشارکت‌ها نشان می‌دهند که چگونه چین و کشورهای شمال آفریقا در سال‌های اخیر، به ویژه از زمان راه‌اندازی ابتکار کمربند و جاده، روابط دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی خود را تقویت کرده‌اند. در سراسر منطقه، مراکز فرهنگی چین و مؤسسات کنفوسیوس افتتاح شده‌اند، در حالی که محدودیت‌های ویزا و هشدارهای سفر برای گردشگران چینی برداشته شده و باعث گسترش سریع گردشگری شده است. دیپلمات‌های چینی در سفارتخانه‌های رباط و قاهره گفتند که این روابط تقویت شده، منعکس‌کننده هدف اصلی ابتکار کمربند و جاده در ارتقای ارتباطات و توسعه اقتصادی در پنج حوزه اولویت‌دار است: هماهنگی سیاست‌ها، اتصال زیرساخت‌ها، افزایش تجارت، یکپارچگی مالی و تبادلات مردمی.

از سال ۲۰۲۱ به بعد، پروژه‌های زیرساختی جدید چین در شمال آفریقا رشد چشمگیری داشته‌اند. به‌ویژه در مصر و الجزایر، پروژه‌های مربوط به نیروگاه‌های برق، توسعه بندرها و پروژه‌های حمل‌ونقل از طریق همکاری با شرکت‌های چینی به انجام رسیده‌اند؛ برای مثال، چین و الجزایر در سال ۲۰۲۲ چندین تفاهم‌نامه جدید برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی امضا کردند و این کشور به یکی از مهم‌ترین بازیگران در بازار انرژی پاک تبدیل شد؛ در مراکش، سرمایه‌گذاری‌های چین در زیرساخت‌های تجاری و توسعه حمل‌ونقل همچنان ادامه دارد. پروژه بندر طنجه-مد که یکی از بزرگترین بندرهای صنعتی و تجاری در آفریقا محسوب می‌شود، در

۱. MOUs: "یادداشت تفاهم" می‌باشد؛ توافق‌نامه‌های رسمی اما غیر الزام‌آور هستند که دو یا چند طرف برای نشان دادن تمایل خود به همکاری در زمینه‌های مختلف امضا می‌کنند. این تفاهم‌نامه‌ها به منظور تعریف شرایط اولیه و چارچوب همکاری بین طرفین مورد استفاده قرار می‌گیرند و معمولاً شامل جزئیات کلی در مورد اهداف، تعهدات و انتظارات طرفین است. در مورد ابتکار کمربند و جاده (BRI) چین، MOUs معمولاً بین دولت چین و کشورهای دیگر امضا می‌شوند تا همکاری در زمینه‌هایی مانند زیرساخت‌ها، تجارت، سرمایه‌گذاری، و پروژه‌های اقتصادی مشترک را تسهیل کنند. این تفاهم‌نامه‌ها نشان‌دهنده تعهدات اولیه طرفین برای همکاری هستند و می‌توانند به قراردادهای رسمی و الزام‌آور منجر شوند (Frederic, 2020).

سال‌های اخیر به شدت توسعه یافته و چین در افزایش ظرفیت حمل و صادرات مراکش سهم بسزایی داشته است (Xinhua, 2022).

در حوزه فرهنگ و آموزش، چین پس از سال ۲۰۲۱ بر افزایش تعاملات خود با شمال آفریقا از طریق گسترش مؤسسات کنفوسیوس تأکید بیشتری کرده است. این مؤسسات که از ابزارهای قدرت نرم چین محسوب می‌شوند، به دانشجویان محلی فرصت‌های بیشتری برای یادگیری زبان و فرهنگ چینی ارائه می‌دهند. در سال ۲۰۲۳، تعداد این مؤسسات در کشورهای مراکش، مصر، و الجزایر افزایش یافت و برنامه‌های آموزشی متعددی برای توسعه دانشجویان و تبادلات علمی ارائه شد.

با این حال، روابط چین با شمال آفریقا تنها به فرصت‌های اقتصادی محدود نمی‌شود. از سال ۲۰۲۲، چالش‌های جدیدی در این همکاری‌ها به وجود آمده‌اند. به‌ویژه بحران‌های امنیتی و بی‌ثباتی سیاسی در لیبی و صحرای غربی، مانع از تحقق کامل پروژه‌های چین در این مناطق شده است. چین در تلاش است تا به صورت دیپلماتیک به حل و فصل این مشکلات بپردازد؛ اما تا کنون مشارکت نظامی یا مداخله مستقیم در این درگیری‌ها نداشته است. با این وجود، چین همچنان به گسترش حضور خود در این مناطق ادامه می‌دهد. در لیبی، شرکت‌های چینی که پیش از درگیری‌ها از این کشور خارج شده بودند، در سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به تدریج بازگشتند تا پروژه‌های زیرساختی از جمله ساخت‌وسازهای جاده‌ای و خطوط حمل و نقل جدید را از سر گیرند.

رابطه چین با شمال آفریقا از سال ۲۰۲۱ به بعد، علی‌رغم چالش‌های امنیتی و سیاسی، به‌طور مستمر در حال گسترش است. سرمایه‌گذاری‌های چین در پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌های همچنان رو به رشد است و این کشور به یک شریک اقتصادی کلیدی برای کشورهای شمال آفریقا تبدیل شده است. با این حال، چالش‌های مربوط به بی‌ثباتی سیاسی و مسائل امنیتی همچنان پابرجا بوده و ممکن است مانعی برای توسعه روابط بیشتر در آینده ایجاد کند. (Frederic, 2020).

قدرت نرم چین: ستون‌های اقتصاد _ فرهنگ

سیاست چین در شمال آفریقا ترکیبی از قدرت نرم و قدرت سخت است؛ اما تمرکز بر قدرت نرم در این منطقه بسیار برجسته‌تر بوده است. چین از طریق دیپلماسی اقتصادی و فرهنگی، تلاش کرده تا با کشورهای این منطقه روابط نزدیک‌تری برقرار کند. برخلاف کشورهای غربی که معمولاً تأکید بر اصول لیبرال و دموکراسی دارند، رویکرد چین بر همکاری‌های اقتصادی متقابل و عدم مداخله در امور داخلی متمرکز است. این رویکرد باعث شده تا بسیاری از کشورهای شمال آفریقا مانند مراکش، الجزایر و مصر جذب روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی چین شوند.

در این راستا، مؤسسات کنفوسیوس که به آموزش زبان چینی و ترویج فرهنگ این کشور می‌پردازند، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم چین در منطقه عمل می‌کنند. افتتاح این مؤسسات در کشورهای مختلف شمال آفریقا، به همراه پروژه‌های بزرگ اقتصادی، مانند همکاری‌های مرتبط با ابتکار کمربند و جاده (BRI)، تأثیر زیادی در گسترش نفوذ چین در منطقه داشته است. مؤسسات کنفوسیوس نمادی از نفوذ فرهنگی چین هستند و ارتباطات فرهنگی و آموزشی بیشتری بین چین و کشورهای شمال آفریقا ایجاد کرده‌اند که این امر بر تحکیم روابط بلندمدت چین با این کشورها تأثیر مثبت دارد. همچنین، رویکرد دیپلماتیک و اقتصادی چین که بر اصل «برد-برد» تأکید دارد، به این کشورها این امکان را داده تا از تجارت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی بهره‌برداری کنند (John, 2016). با این حال، این رویکرد نه تنها سبب افزایش همکاری‌های اقتصادی شده؛ بلکه در برخی موارد باعث شده تا کشورهای شمال آفریقا بتوانند به‌عنوان پلی برای افزایش نفوذ چین در بازارهای اروپایی و آفریقایی نیز عمل کنند. با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارد. در حالی که بسیاری از کشورها از سرمایه‌گذاری‌های چینی استقبال کرده‌اند، رقابت بین چین و شرکای غربی نیز تشدید شده است. اتحادیه اروپا و ایالات متحده به‌شدت نگران رشد نفوذ اقتصادی چین در منطقه هستند. این رقابت می‌تواند به ویژه در حوزه‌های استراتژیک مانند زیرساخت‌های حمل و نقل و منابع انرژی، چالش‌برانگیز باشد. به همین دلیل، بررسی تأثیرات بلندمدت این سرمایه‌گذاری‌ها و تعاملات اقتصادی بر کشورهای شمال آفریقا از اهمیت بالایی برخوردار است. در مجموع، سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی چین در شمال آفریقا، به‌عنوان بخشی از قدرت نرم این کشور، سبب افزایش نفوذ آن در این منطقه شده است؛ به‌عنوان نمونه آن‌ها بر این باورند که اولویت‌های ابتکار کمربند و جاده به تصویر مثبت

چین در سراسر منطقه شمال آفریقا کمک می‌کند. این امر همچنین سبب تشویق رقابت میان شرکای سنتی غربی مانند اتحادیه اروپا و نیز چین و روسیه شده است (Ruan, 2019). دیپلمات‌های چینی تأکید می‌کنند که کشورهای شمال آفریقا به دلیل نزدیکی به بازارهای اروپا، آفریقا و آسیا، تعداد زیاد مناطق صنعتی و سطح بالای سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها، برای همکاری‌های اقتصادی جذاب هستند.

ستون اقتصاد و تجارت

از سال ۲۰۲۱ به بعد، تعاملات چین با کشورهای شمال آفریقا به‌ویژه در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری به طور مداوم در حال رشد بوده است. چین همچنان منبع اصلی واردات برای اقتصادهای مختلف شمال آفریقا است؛ اما تراز تجاری به شکل قابل توجهی به نفع چین است. استراتژی‌های اقتصادی چین از کشوری به کشور دیگر متفاوت تعریف شده است و مصر، الجزایر و مراکش به عنوان اولویت‌های بالاتری در نظر گرفته شده‌اند.

طبق گزارش‌های جدید از سال ۲۰۲۲، حجم تجارت چین و مصر به حدود ۱۵ میلیارد دلار رسیده است که مصر را به بزرگترین شریک تجاری چین در منطقه تبدیل می‌کند. واردات چین در بازار مصر تسلط دارد و نزدیک به ۱۳ میلیارد دلار از این حجم به واردات مصر اختصاص دارد که نشان‌دهنده اهمیت چین به عنوان منبع اصلی واردات مصر است. در حالی که مصر تلاش کرده تا این عدم تعادل تجاری را از طریق پروژه‌های تولیدی و زیرساختی کاهش دهد، تجارت همچنان بیشتر به سمت کالاهای چینی متمرکز است (UNDP, 2021).

در مراکش، حجم تجارت به طور مداوم در حال افزایش است. در سال ۲۰۲۱، تجارت دو جانبه بین چین و مراکش از ۵ میلیارد دلار فراتر رفت که رشد بیش از ۱۶ درصد را نسبت به سال‌های قبل نشان می‌دهد. همکاری‌های کلیدی در بخش‌هایی مانند توسعه زیرساخت، تولید خودرو و انرژی‌های تجدیدپذیر صورت گرفته است. شرکت‌های چینی مانند BYD در تولید خودروهای الکتریکی در مراکش سرمایه‌گذاری کرده‌اند و از نزدیکی این کشور به بازارهای اروپایی بهره‌مند می‌شوند (Congressional, 2023).

در الجزایر، رابطه اقتصادی طولانی‌مدت ادامه دارد، هرچند تراز تجاری همچنان به نفع چین است. در سال ۲۰۲۲، ارزش واردات الجزایر از چین بیش از ۸ میلیارد دلار تخمین زده شد که

بیشتر بر زیرساخت و ماشین‌آلات سنگین متمرکز بود. با این حال، صادرات الجزایر، به‌ویژه در بخش هیدروکربن‌ها، همچنان نسبتاً محدود باقی مانده است. علی‌رغم این، همکاری‌ها در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و پروژه‌های ساخت و ساز به‌طور مداوم در حال گسترش است.

تونس نیز شاهد افزایش تجارت با چین بوده است و واردات تونس از چین در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۲٫۵ میلیارد دلار رسیده است. هرچند چین هنوز با احتیاط در این کشور سرمایه‌گذاری می‌کند؛ اما علاقه‌مندی به بخش‌هایی مانند ارتباطات از راه دور و کشاورزی افزایش یافته است. صادرات تونس به چین هنوز در مقیاس کوچک باقی مانده که نگرانی‌هایی برای مقامات تونسی ایجاد کرده است که به دنبال تنوع‌بخشی به روابط اقتصادی خود هستند (Congressional, 2023).

در لیبی، پس از آغاز جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱، چین و بسیاری از کشورهای دیگر مجبور به خروج شدند؛ اما از سال ۲۰۲۱ چین با احتیاط وارد پروژه‌های نفتی و بازسازی شده است. در سال ۲۰۲۲، صادرات نفت لیبی به چین بیش از دو برابر شد و مذاکرات برای پروژه‌های بزرگ زیرساختی مجدداً آغاز شده است. سیاست چین مبنی بر عدم مداخله در درگیری‌های سیاسی، این کشور را در موقعیت مناسبی برای سرمایه‌گذاری‌های آینده قرار داده است.

در زمینه سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، ابتکار کمربند و جاده همچنان نقش مهمی در شمال آفریقا ایفا می‌کند.^۱ از سال ۲۰۲۱ به بعد، چین توافقات سرمایه‌گذاری جدیدی در چارچوب این ابتکار امضا کرده است که بیشتر بر زیرساخت‌ها، انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه بنادر تمرکز دارد؛ به‌عنوان مثال، الجزایر و مصر شاهد سرمایه‌گذاری‌های عمده چینی در بخش‌های انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله پروژه‌های خورشیدی بوده‌اند. در مراکش، پروژه‌های جدید راه‌آهن و بنادر که توسط شرکت‌های چینی تأمین مالی می‌شود، این کشور را به یک قطب لجستیکی منطقه‌ای تبدیل می‌کند. روابط اقتصادی و تجاری بین چین و شمال آفریقا همچنین پیامدهای ژئوپلیتیکی

۱. لازم به توضیح بیشتر که شرکت‌های چینی در الجزایر عمدتاً به بخش‌های ساخت‌وساز، مسکن و انرژی علاقه‌مند هستند و پروژه‌های بزرگی مانند خانه اپرای الجزیره و بزرگراه شرق-غرب را تأمین مالی و اجرا می‌کنند. در مراکش، حضور چینی‌ها بیشتر در مناطق صنعتی و آزاد تجاری متمرکز است، از جمله پروژه "شهر فناوری محمد ششم-تانگر" که به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه سرمایه‌گذاری چینی در شمال آفریقا برنامه‌ریزی شده است. در مصر، چینی‌ها به ساخت و تأمین مالی پروژه‌ها در قاهره جدید و مناطق اقتصادی کانال سوئز علاقه‌مندند، هرچند برخی از مذاکرات به دلیل اختلافات مالی متوقف شده است. با این حال، موفقیت‌هایی مانند کارخانه تولید الیاف فایبرگلاس در منطقه اقتصادی کانال سوئز، نشان‌دهنده رشد این همکاری‌هاست. همچنین، شرکت راه‌آهن ساخت و ساز چین به استخدام کارگران محلی تأکید دارد و به پروژه‌های زیرساختی لیبی توجه می‌کند.

گسترده‌ای به همراه دارد (Reuters, 2022). سیاست بی‌طرفی چین در درگیری لیبی و تلاش‌های دیپلماتیک برای حفظ روابط قوی با تمام دولت‌های منطقه، این کشور را به یک بازیگر کلیدی در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی شمال آفریقا تبدیل کرده است. با این حال، حضور فزاینده چین در شمال آفریقا موجب نگرانی قدرت‌های غربی به‌ویژه اتحادیه اروپا و ایالات متحده شده است که نفوذ فزاینده چین را به‌عنوان چالشی برای روابط تاریخی خود در منطقه می‌دانند. استراتژی چین در شمال آفریقا نشان‌دهنده ترکیبی از جاه‌طلبی اقتصادی و احتیاط ژئوپلیتیکی است. در حالی که شمال آفریقا از فرصت‌های زیرساختی، تجاری و سرمایه‌گذاری که چین فراهم کرده است بهره‌مند می‌شود، این منطقه باید روابط خود را با شرکای سنتی غربی متوازن نگه دارد که ممکن است در آینده به چالش‌های دیپلماتیک منجر شود.

لازم به ذکر است که برای تحلیل سرمایه‌گذاری‌های پروژه "یک کمربند، یک راه (BRI)" در کشورهای شمال آفریقا به صورت آماری دقیق، داده‌های گردآوری شده بر طبق جدول شماره ۲ ارزیابی شده‌اند. هرچند که سرمایه‌گذاری‌های BRI چین در کشورهای مختلف شمال آفریقا از نظر مقیاس و تمرکز متفاوت بوده است؛ اما در زیر تفکیک آماری از سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ ارائه شده است که می‌تواند به درک بهتر این سرمایه‌گذاری‌ها کمک کند: (World Bank, 2023)

جدول ۲: تحلیل سرمایه‌گذاری‌های پروژه "یک کمربند، یک راه" (BRI)

کشور	بخش‌های کلیدی سرمایه‌گذاری‌های BRI	میزان تقریبی سرمایه‌گذاری BRI (۲۰۲۲-۲۰۲۳)	پروژه‌های مهم
مراکش	زیرساخت، انرژی، خودروسازی	۱,۲ میلیارد دلار	توسعه بندر طنجه مد، کارخانه چرخ آلومینیومی Citic Dicastal
مصر	زیرساخت، انرژی، حمل و نقل	۶ میلیارد دلار	منطقه اقتصادی کانال سوئز، پایتخت اداری جدید
الجزایر	زیرساخت، انرژی‌های تجدیدپذیر	۳ میلیارد دلار	بندر الحمدانیه، پروژه‌های انرژی خورشیدی
تونس	بهداشت و درمان، زیرساخت	۵۰۰ میلیون دلار	ساخت بیمارستان، زیرساخت‌های بهداشتی
لیبی	بازسازی، انرژی	۳۰۰ میلیون دلار	بازسازی زیرساخت‌های نفتی پس از جنگ

- مصر بزرگترین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه است که به دلیل موقعیت استراتژیک و مشارکت در پروژه‌های کلیدی BRI مانند منطقه اقتصادی کانال سوئز، این سرمایه‌گذاری‌ها صورت گرفته است (Tang, 2022).
 - مراکش و الجزایر سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در بخش‌های لجستیک و انرژی‌های تجدیدپذیر جذب کرده‌اند، به طوری که بندر طنجه مد در مراکش یکی از برجسته‌ترین پروژه‌ها است.
 - تونس و لیبی که با چالش‌های مداوم مواجه هستند، سرمایه‌گذاری‌های کمتری را به‌ویژه در بخش‌های بهداشت و بازسازی جذب کرده‌اند (Congressional Research Service, 2023).
- این برآوردها نشان‌دهنده نفوذ رو به رشد چین در شمال آفریقا است و پروژه‌های مذکور، از توسعه زیرساخت‌ها تا تولید انرژی، نقش مهمی در اهداف استراتژیک بلندمدت چین در منطقه ایفا می‌کنند.

ستون فرهنگ و تبادلات فرهنگی

نفوذ چین در شمال آفریقا به اقتصاد محدود نمی‌شود. تا سال ۲۰۲۲، چین تعداد مؤسسات کنفوسیوس خود را در منطقه افزایش داده است و مراکز جدیدی در مراکش و تونس ایجاد شده‌اند. این مؤسسات نقش مهمی در تقویت مبادلات مردمی و افزایش نفوذ قدرت نرم چین در شمال آفریقا دارند؛ به عنوان نمونه چین در بخش گردشگری نیز پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است و با کاهش محدودیت‌های ویزا برای گردشگران چینی، شاهد افزایش چشمگیری در تعداد گردشگران چینی به کشورهای شمال آفریقا به ویژه مراکش و مصر بوده‌ایم. طبق گفته دیپلمات‌های چینی، "تبادلات فرهنگی_انسانی" یکی از عناصر کلیدی ابتکار کمربند و جاده است. این پروژه‌ها نه تنها برای تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری طراحی شده‌اند؛ بلکه هدفشان جابجایی مردم و تسهیل ارتباطات فرهنگی نیز است. چینی‌ها به وضوح ابتکار کمربند و جاده را به عنوان ادامه‌دهنده مفهوم باستانی "جاده ابریشم" در جامعه مدرن معرفی می‌کنند و بر اهمیت ارتباط میان تمدن‌ها تأکید دارند.

تا سال ۲۰۲۳، الجزایر میزبان بیش از ۵۰،۰۰۰ کارگر چینی است که یکی از بزرگترین جوامع چینی در آفریقا را تشکیل می‌دهند. همچنین، در مراکش و مصر، افزایش تعداد رستوران‌ها و بازارهای چینی نشان‌دهنده گسترش حضور فرهنگی چین در این کشورهاست. به عنوان مثال، گردشگری چینی به کشورهایی مانند مراکش و مصر افزایش یافته است؛ تعداد گردشگران چینی که در سال ۲۰۱۷ از مصر بازدید کردند به ۴۰۰،۰۰۰ نفر رسید، در حالی که این تعداد در سال ۲۰۱۵ تنها ۱۲۵،۰۰۰ نفر بود (Rolland, 2017).

افزایش نهادهای فرهنگی چینی در شمال آفریقا، مانند مؤسسه کنفوسیوس تونس و مراکز فرهنگی در مصر، نشان‌دهنده تعهد چین به ترویج زبان و فرهنگ خود است. این نهادها نه تنها کلاس‌های زبان و فرهنگ چینی را ارائه می‌دهند؛ بلکه جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی را نیز برگزار می‌کنند. در حقیقت مدارس کنفوسیوسی به‌عنوان نماد قدرت نرم چین، در تلاش برای گسترش فرهنگ و زبان چینی در کشورهای شمال آفریقا، نقش مهمی ایفا می‌کنند. این مدارس به‌ویژه از سال ۲۰۲۱ به بعد، با توجه به تغییرات سیاسی و اقتصادی در منطقه، توجه بیشتری را به خود جلب کرده‌اند که عبارتند از:

۱. تأسیس و گسترش مدارس کنفوسیوسی: از سال ۲۰۲۱، تعداد مدارس کنفوسیوسی در شمال آفریقا به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته است. این مدارس نه تنها زبان چینی را آموزش می‌دهند؛ بلکه فرهنگ و فلسفه کنفوسیوس را نیز ترویج می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، در تونس، اولین مؤسسه کنفوسیوس در نوامبر ۲۰۱۸ افتتاح شد و از آن زمان به‌طور مداوم به جذب دانش‌آموزان و برگزاری دوره‌های آموزشی و فرهنگی ادامه داده است.
۲. تأثیر بر روابط چین و کشورهای شمال آفریقا: مدارس کنفوسیوسی به‌عنوان یک ابزار فرهنگی برای تقویت روابط دوجانبه بین چین و کشورهای شمال آفریقا عمل می‌کنند. این مدارس به‌عنوان زیرساخت‌هایی برای تبادل فرهنگی و ایجاد اعتماد متقابل عمل می‌کنند. با توجه به افزایش تعداد دانشجویان چینی که به کشورهای شمال آفریقا سفر می‌کنند و بالعکس، این مدارس به‌عنوان محورهای مهمی برای تسهیل ارتباطات بین فرهنگی به شمار می‌روند.
۳. پاسخ به چالش‌ها و انتقادات: با وجود موفقیت‌های این مدارس، چالش‌هایی نیز وجود دارد. برخی انتقادات مربوط به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی این مدارس بر هویت محلی است. نگرانی‌هایی درباره اینکه آیا این مدارس می‌توانند به‌طور مثبت به غنای فرهنگی محلی افزوده

شوند یا ممکن است باعث تضعیف فرهنگ‌های محلی شوند، وجود دارد. همچنین، برخی کشورها ممکن است نسبت به نفوذ فرهنگی چین حساسیت نشان دهند.

۴. برنامه‌های آینده و توسعه: چین با توجه به نقش مدارس کنفوسیوسی در گسترش قدرت نرم خود، قصد دارد در سال‌های آینده تعداد این مدارس را در شمال آفریقا افزایش دهد. این برنامه شامل ارائه بورس‌های تحصیلی برای دانشجویان محلی و برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه برای معلمان محلی است. همچنین، چین قصد دارد از این مدارس به‌عنوان مراکزهایی برای برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری استفاده کند.

جدول ۳: نفوذ فرهنگی چین و مدارس کنفوسیوسی در کشورهای شمال آفریقا

کشور	تعداد مدارس کنفوسیوسی	تأسیس مدارس کنفوسیوسی	برنامه‌های فرهنگی و آموزشی	تعداد دانش‌آموزان (تقریبی)	تأثیرات فرهنگی و اجتماعی
الجزایر	۲	۲۰۱۸	کلاس‌های زبان، جشنواره‌های فرهنگی	۵۰۰	تقویت روابط فرهنگی با چین، ترویج زبان چینی
مصر	۲	۲۰۱۶	دوره‌های آموزشی و سمینارها	۱،۰۰۰	افزایش دانش زبان چینی و فلسفه کنفوسیوس
مراکش	۱	۲۰۱۸	کلاس‌های زبان، فعالیت‌های هنری	۷۰۰	گسترش آگاهی فرهنگی و تقویت همکاری‌های دوجانبه
تونس	۱	۲۰۱۸	برنامه‌های تبادل فرهنگی	۳۰۰	ارتقای درک متقابل فرهنگی و کاهش موانع زبانی
لیبی	۱ (در حال تأسیس)	۲۰۲۳	برنامه‌های آموزشی در حال توسعه	-	امید به تقویت همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی

مدارس کنفوسیوسی در کشورهای شمال آفریقا به‌عنوان ابزارهایی برای ترویج فرهنگ و زبان چینی عمل می‌کنند و در عین حال می‌توانند به تقویت روابط دوجانبه چین و کشورهای منطقه کمک کنند. در حقیقت مدارس کنفوسیوسی نه تنها به‌عنوان ابزارهای آموزشی؛ بلکه به‌عنوان نمادهایی از قدرت نرم چین در شمال آفریقا محسوب می‌شوند. این مدارس می‌توانند به تقویت روابط فرهنگی و اقتصادی بین چین و کشورهای منطقه کمک کنند؛ اما لازم است که نگرانی‌های

فرهنگی و اجتماعی در این زمینه مورد توجه قرار گیرد تا تأثیر مثبت این مدارس بر جامعه محلی حفظ شود (Egypt Today, 2020).

با این حال، مهم است که تأثیر این تبدلات بر فرهنگ بومی و چالش‌های احتمالی ناشی از نفوذ چین مورد بررسی قرار گیرد. در عین حال، نگرانی‌هایی در مورد تأثیرات منفی بالقوه این نفوذ بر هویت فرهنگی محلی وجود دارد که باید به آن پرداخته شود. به طور کلی، افزایش تعداد ساکنان، گردشگران و نهادهای فرهنگی چینی در شمال آفریقا نشان‌دهنده موفقیت ابتکار قدرت نرم چین در منطقه است؛ اما نیاز به تحلیل عمیق‌تر از این روابط و تأثیرات آن بر ساختار فرهنگی محلی و همچنین ملاحظات ژئوپلیتیکی احساس می‌شود.

قدرت سخت: دیپلماسی و دفاع

دیپلماسی و ژئوپلیتیک

تنش‌های فزاینده میان کشورهای شمال آفریقا و شرکای سنتی غربی آن‌ها این کشورها را به سمت همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با قدرت‌های بزرگ مانند چین و روسیه سوق داده است. به عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۶، مراکش به دلیل تنش با اتحادیه اروپا در مورد توافق کشاورزی و ماهیگیری، روابط خود را با این اتحادیه قطع کرد. از سوی دیگر، دیدارهای سطح بالای دولتی بین مقامات شمال آفریقا و چین در سال‌های اخیر به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. رئیس‌جمهور چین در نشست سران چین و آفریقا در سپتامبر ۲۰۱۸ با مقامات مراکش، الجزایر، تونس و مصر ملاقات کرد که نشان‌دهنده اهمیت روابط دیپلماتیک چین با این کشورهاست.

سیاست عدم مداخله چین به‌عنوان یک گزینه جذاب برای کشورهای شمال آفریقا مطرح شده است؛ زیرا این کشورها به‌دنبال تقویت روابط خود با چین هستند. زوبیر اشاره می‌کند که بسیاری از این کشورها تحت نظم هژمونیک غرب احساس بازندگی می‌کنند و چین به دلیل عدم مداخله در امور داخلی این کشورها، برای آن‌ها جذابیت دارد. با این حال، هرچه نقش چین در منطقه بیشتر شود، فشار بیشتری برای مشارکت فعال‌تر در حل اختلافات منطقه‌ای بر آن وارد خواهد شد. در مراکش، موضوع صحرای غربی به‌عنوان یک خط قرمز ملی در نظر گرفته می‌شود. در حالی که چین به مأموریت سازمان ملل احترام می‌گذارد، این موضع ممکن است در آینده به تنش‌هایی بین چین و برخی از متحدان آن منجر شود. چین همچنین امیدوار است از مسائل تعیین

سرنوشت خودداری کند؛ زیرا با چالش‌هایی مانند جدایی‌طلبی در تایوان و سین‌کیانگ مواجه است.

چین در حال حاضر بیشتر از طریق چارچوب‌های دوجانبه با کشورهای شمال آفریقا در تعامل است؛ اما سعی دارد تا با استفاده از مکانیزم‌های چندجانبه در دیپلماسی منطقه‌ای نیز نقش بیشتری ایفا کند. این تلاش‌های دیپلماتیک به اصل «نوع جدیدی از روابط قدرت‌های بزرگ» مربوط می‌شود که چین در آن به دنبال تعامل با کشورهای کوچکتر است. ژولیهان بر تعهد چین به چندجانبه‌گرایی و اهمیت فرآیندهای صلح سازمان ملل تأکید می‌کند و بر این باور است که چین با کشورهای که در تضاد هستند، مانند عربستان سعودی و ایران، روابط خوبی دارد. او معتقد است که چین به دنبال ایفای نقش سازنده‌تری در منطقه نسبت به ایالات متحده است و سیاست‌های ایالات متحده، به‌ویژه در دوران ترامپ، تنش‌ها را در خاورمیانه افزایش داده است. حزب کمونیست چین این سیاست‌ها را به‌عنوان تلاش برای تغییر رژیم می‌بیند و بر این باور است که دیپلماسی آرام و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها، راه‌حلی مناسب برای حمایت از همکاری‌های بین‌المللی است. در مجموع، چین با رویکردی مبتنی بر عدم مداخله و دیپلماسی چندجانبه، تلاش دارد تا نفوذ خود را در شمال آفریقا افزایش دهد و به دنبال حفظ ثبات و توسعه همکاری‌های اقتصادی است.

همکاری‌های امنیتی و دفاعی

همکاری‌های امنیتی و دفاعی چین در شمال آفریقا به‌طور قابل توجهی در پنج سال گذشته (۲۰۱۸-۲۰۲۳) گسترش یافته و به موازات حضور اقتصادی چین در این منطقه پیش رفته است. پروژه‌های دریایی، به‌ویژه تولید کابل‌های زیردریایی، اهمیت زیادی در ایجاد اتصال مخابراتی دارند (Xinhua, 2023). چین در سال ۲۰۰۹ کابل دریایی "حنابل" را که تونس را به ایتالیا متصل می‌کند، و در سال ۲۰۱۰ کابل دیگری که لیبی را به یونان وصل می‌کند، اجرا کرد. این فعالیت‌ها نگرانی‌هایی درباره استفاده از سرمایه‌گذاری‌های چینی برای اهداف غیرتجاری، مانند جمع‌آوری اطلاعات و همکاری‌های نظامی در مدیترانه، ایجاد کرده است. نخستین اقدام نظامی چین در لیبی در سال ۲۰۱۱ بود، زمانی که نیروی دریایی چین قبل از حملات هوایی ناتو به تخلیه ۴۰،۰۰۰ کارگر چینی کمک کرد. در سال ۲۰۱۵، تمرین نظامی مشترک چین و روسیه در مدیترانه برگزار

شد و در ۲۰۱۷، چین نخستین پایگاه نظامی خود را در جیبوتی افتتاح کرد. همچنین، کشورهای مصر و الجزایر به‌عنوان بزرگترین خریداران سلاح‌های چینی در شمال آفریقا شناخته می‌شوند که طبق پروژه "قدرت چین"، ۴۲ درصد از صادرات چینی به آفریقا را تشکیل می‌دهند. همچنین از سال ۲۰۲۲ به بعد درباره همکاری‌های امنیتی و دفاعی چین در شمال آفریقا وجود دارد.

- پروژه‌های دریایی و زیرساختی: چین همچنان به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی دریایی و کابل‌های زیردریایی در شمال آفریقا ادامه می‌دهد. این پروژه‌ها به تقویت ارتباطات و زیرساخت‌های ارتباطی کمک می‌کنند.
 - نقش نظامی چین: در سال ۲۰۲۲، چین به تقویت همکاری‌های نظامی با کشورهای شمال آفریقا ادامه داد. به‌ویژه در مصر و الجزایر، روابط نظامی و تجاری افزایش یافته و همکاری‌های آموزشی و نظامی میان چین و این کشورها در حال گسترش است.
 - چالش‌های امنیتی: با توجه به افزایش فعالیت‌های تروریستی و بی‌ثباتی در برخی کشورهای شمال آفریقا، چین به‌دنبال ارائه حمایت‌های امنیتی به این کشورها از طریق همکاری‌های نظامی و تبادل اطلاعات است.
 - رویدادهای دیپلماتیک: در سال‌های اخیر، چین میزبان چندین کنفرانس و نشست دوجانبه با مقامات کشورهای شمال آفریقا بوده است که به بررسی همکاری‌های امنیتی و دفاعی اختصاص دارد.
 - چین و تأمین سلاح: چین به‌عنوان یکی از تأمین‌کنندگان بزرگ سلاح به کشورهای شمال آفریقا شناخته می‌شود. در سال ۲۰۲۲، قراردادهای جدیدی برای تأمین سلاح با کشورهای این منطقه امضاء شده است؛
- لیکن این اطلاعات به‌خوبی نشان‌دهنده گسترش نفوذ چین در زمینه‌های امنیتی و دفاعی در شمال آفریقا است.

کشورهای شمال آفریقا و چین

مصر

روابط چین و مصر در دهه ۱۹۳۰ آغاز شد و در سال ۱۹۵۶ با برقراری روابط دیپلماتیک مستقیم به اوج خود رسید. این روابط در دوران جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، تقویت شد؛ زیرا او

به عنوان یک رهبر مطرح در جنبش‌های آزادی‌بخش در جهان سوم عمل کرد و به دنبال تقویت همکاری با چین بود (Story, 2005). در سال ۱۹۶۳، ژوانلای، نخست‌وزیر چین، سفر تاریخی به قاهره داشت که نشان‌دهنده اهمیت مصر در سیاست خارجی چین در آن دوره بود.

پس از سال ۲۰۱۱، روابط دو کشور به شدت عمیق‌تر شده است. چین به یکی از شرکای اصلی اقتصادی مصر تبدیل شده و سطح تجارت دوجانبه به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. با این حال، مصر با کسری تجاری بزرگ و چالش‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی مواجه است؛ به عنوان مثال، کسری تجاری مصر با چین به بیش از ۱۰ میلیارد دلار در سال‌های اخیر رسیده است که نیاز به اقداماتی برای کاهش این عدم تعادل است. در طول سال‌ها، چین سرمایه‌گذاری‌های خود را در پروژه‌های زیرساختی و صنعتی در مصر افزایش داده است. همچنین، رئیس‌جمهور السیسی به‌طور مکرر به چین سفر کرده و توافقاتی در زمینه همکاری‌های استراتژیک امضا کرده است. این اقدامات نشان‌دهنده تمایل مصر برای تقویت روابط خود با چین به عنوان یک شریک اقتصادی است. با این حال، نگرانی‌هایی وجود دارد. یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها تأثیرات منفی واردات چینی بر صنعت محلی مصر و وابستگی به منابع خام است. همچنین، "تله‌های بدهی" ناشی از سرمایه‌گذاری‌های چینی و نگرانی‌هایی درباره کاهش توانایی رقابت صنایع داخلی نیز مطرح شده است. علاوه بر این، روابط چین و مصر بیشتر بر اساس تعاملات دولتی است و نیاز به افزایش مشارکت جامعه مدنی و گروه‌های اجتماعی در شکل‌گیری این روابط احساس می‌شود. تصورات منفی درباره تمایلات استبدادی چین و عدم دخالت آن در مسائل سیاسی منطقه می‌تواند به روابط آسیب بزند و بر نگرش عمومی نسبت به چین در مصر تأثیر بگذارد.

همچنین روابط چین و مصر از سال ۲۰۲۲ به رشد خود ادامه داده است. چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری مصر باقی مانده و در پروژه‌های زیرساختی، صنعتی و انرژی در این کشور فعال است. به عنوان نمونه سرمایه‌گذاری‌های چین در پروژه‌های کلیدی، مانند ساخت و توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر ادامه دارد (Egypt Today, 2020). که شامل پروژه‌هایی در منطقه اقتصادی کانال سوئز و قاهره جدید است. در کنار آن با توجه به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای، روابط نظامی بین دو کشور نیز در حال تقویت است. در کنار آن توسعه فرهنگی و تبادل دانش و تأسیس مؤسسات کنفوسیوس و برنامه‌های تبادل دانشجویان در

مصر از دیگر ابعاد همکاری است که به ترویج فرهنگ چینی و افزایش نفوذ نرم چین در این کشور کمک می‌کند؛ اما با وجود رشد در روابط تجاری، چالش‌های مربوط به کسری تجاری و نگرانی‌های اجتماعی در مورد تأثیرات اقتصادی چین بر صنایع محلی همچنان مطرح است. به‌طور کلی، با وجود تحولات مثبت در روابط اقتصادی، چین باید به چالش‌های موجود توجه کرده و اقداماتی برای توازن، شفافیت و ارتقاء مشارکت جامعه مدنی انجام دهد تا از ایجاد تنش‌ها در آینده جلوگیری کند.

لیبی

چین و لیبی در روابط خود تنش‌ها و چالش‌های خاصی را تجربه کرده‌اند. چین به عنوان یک قدرت جهانی سیستماتیک، به سختی می‌تواند لیبی را در قالب‌های استاندارد خود قرار دهد. از زمان انقلاب بهار عربی ۲۰۱۱، روابط میان این دو کشور دچار نوساناتی شده است. قذافی، رهبر پیشین لیبی، در اوایل برای تقویت روابط با چین امید داشت و در سال ۱۹۵۵ روابط دیپلماتیک برقرار کرد. با این حال، روابط به تدریج سرد شد تا اینکه این روابط در نهایت در سال ۱۹۷۸ به طور رسمی برقرار شد (Paal, 2011).

چین در دوران قذافی به عنوان یک تأمین‌کننده سلاح شناخته می‌شد و این روابط در دهه ۱۹۹۰ به دلیل تحریم‌های غرب علیه لیبی تقویت شد. پس از سال ۲۰۱۱، چین از مداخله نظامی در لیبی خودداری کرد و سیاست عدم مداخله را دنبال کرد. با این حال، همچنان محتاط بود. چین در طول رابطه با لیبی به دنبال برقراری روابط مثبت و پایدار بوده است و همواره روابط اقتصادی و نظامی چین با لیبی می‌تواند به تقویت منافع اقتصادی‌اش در آینده کمک کند. به‌علاوه، چین نیاز دارد تا از تجربیات خود در لیبی درس بگیرد و همکاری‌های آینده را بر مبنای اصول متقابل بنا کند. به‌طور کلی، چین همچنان بر روی پروژه‌های زیرساختی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در لیبی تمرکز دارد. در سال‌های اخیر، چین به‌ویژه به بازسازی زیرساخت‌ها و تأسیسات انرژی در لیبی توجه کرده است. چین همچنین به تقویت روابط دیپلماتیک با دولت وحدت ملی لیبی ادامه داده است و در تلاش است تا از طریق کمک‌های اقتصادی و فنی، نقش مؤثری در فرآیند بازسازی و ثبات در این کشور ایفا کند. افزون بر این، همکاری‌های نظامی را گسترش داده و به تبادل دانش و فناوری در زمینه‌های دفاعی و امنیتی پرداخته است. این موضوع می‌تواند به

نگرانی‌های غرب درباره نفوذ فزاینده چین در شمال آفریقا دامن بزند. در نهایت، چین در کشور لیبی به دنبال ایجاد همکاری‌های مثبت با کشورهای غربی و منطقه‌ای است تا به جای تکرار اشتباهات گذشته، به منافع مشترک دست یابد و در عین حال بر روی ثبات در لیبی تمرکز کند؛ به عنوان نمونه همکاری چین و لیبی پس از سال ۲۰۲۱، پروژه بازسازی و توسعه بندر «طرابلس» است. چین به عنوان یکی از شرکای اصلی لیبی در این پروژه، به تأمین مالی و فناوری برای بهبود زیرساخت‌های بندر کمک کرده است. این پروژه شامل گسترش تسهیلات بندری، ارتقاء تجهیزات بارگیری و تخلیه، و بهبود دسترسی به شبکه‌های حمل و نقل است. این همکاری نه تنها به لیبی کمک می‌کند تا اقتصاد خود را احیا کند؛ بلکه چین نیز به دنبال تقویت موقعیت خود به عنوان یک بازیگر کلیدی در بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها در شمال آفریقا است. این پروژه به‌ویژه در زمینه تأمین انرژی و دسترسی به بازارهای اروپا و آفریقا اهمیت دارد و می‌تواند به افزایش نفوذ چین در منطقه کمک کند.

تونس

تونس و چین رابطه‌ای تاریخی و طولانی دارند که به ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. پس از انقلاب یاس در سال ۲۰۱۱، روابط تونس با کشورهای غربی به دلیل تمایل این کشور به نزدیکی به غرب تحت تأثیر قرار گرفت و در این مدت، چین به دلیل سرمایه‌گذاری‌های خود در آفریقا به تونس توجه بیشتری نشان داد. تونس در سال ۲۰۱۷ به ابتکار کمربند و جاده چین پیوست و این به تقویت روابط دو کشور کمک کرد (Curran, 2019). با این حال، هنوز زمینه‌های زیادی برای رشد به ویژه در بخش‌های گردشگری و زیرساخت‌ها وجود دارد. تونس به دنبال جذب گردشگران چینی است؛ اما برای رقابت با دیگر مقاصد باید اقدامات بیشتری انجام دهد. همچنین، تونس باید از سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی چین به ویژه در بیمارستان‌ها و مراکز فرهنگی بهره‌برداری کند؛ اما باید توجه داشته باشد که فرصت‌های شغلی بیشتری برای کارگران محلی فراهم کند. تونس همچنین باید خطرات ناشی از وابستگی به سرمایه‌گذاری‌های چینی را در نظر بگیرد. در حالی که سرمایه‌گذاری چین ممکن است منطقی باشد؛ اما تونس باید مراقب نیت‌های بلندمدت چین در زمینه امنیت و اطلاعات باشد. به ویژه در زمینه استفاده از فناوری‌های چینی، مانند هوآوی، تونس باید از تجربه کشورهای دیگر استفاده کند

و اطمینان حاصل کند که قراردادها از حفاظت‌های کافی برخوردارند. همچنین از سال ۲۰۲۲ به بعد درباره روابط تونس و چین و توسعه پروژه‌های مختلف وجود دارد که عبارتند از:

- پروژه‌های زیرساختی: چین به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی تونس به ویژه در زمینه حمل و نقل و انرژی ادامه داده است. این پروژه‌ها شامل توسعه بندرها و حمل‌ونقل عمومی می‌شوند. همکاری‌های تجاری: روابط تجاری بین تونس و چین در حال گسترش است. تونس به دنبال افزایش صادرات خود به چین و جذب بیشتر گردشگران چینی است.
- سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری: تونس برنامه‌های جدیدی برای جذب گردشگران چینی از جمله تسهیل ویزا و تبلیغات در چین دارد.
- روابط فرهنگی: مؤسسات کنفوسیوس و مراکز فرهنگی چینی در تونس به منظور گسترش تبادلات فرهنگی و آموزشی تأسیس شده‌اند.
- توسعه فناوری: تونس به همکاری‌های فناوری و دیجیتال با چین به ویژه در حوزه ICT و انرژی‌های تجدیدپذیر توجه دارد (Trading Economics, 2020).

در نهایت، تونس باید تصمیم بگیرد که چقدر به چین نزدیک شود و تا چه حد این نزدیکی می‌تواند بر روابطش با کشورهای غربی تأثیر بگذارد. در شرایط کنونی، با توجه به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی، تونس نیاز به اتخاذ رویکردی متعادل و هوشمندانه در همکاری با چین و سایر شرکای بین‌المللی دارد.

الجزایر

الجزایر، به عنوان یکی از کشورهای برجسته در شمال آفریقا، قوی‌ترین روابط را با جمهوری خلق چین حفظ کرده است. این روابط شامل تعاملات سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری و فرهنگی می‌شود و موقعیت ژئوپلیتیکی الجزایر، به ویژه نزدیکی‌اش به اتحادیه اروپا، برای چین و دیگر قدرت‌ها جذابیت دارد. در دو دهه اخیر، این دو کشور روابط خود را تقویت کرده و به احتمال زیاد این روند با توجه به ابتکار کمربند و جاده ادامه خواهد یافت (Chine Magazine, 2019).

هم‌اکنون، همکاری الجزایر و چین به حوزه‌های حساسی مانند تسلیحات و انرژی هسته‌ای غیرنظامی گسترش یافته است. با این حال، تجارت دوجانبه بیشتر به نفع چین بوده و سرمایه‌گذاری‌های چین در الجزایر چندان قابل توجه نیست. بیشتر تعاملات تجاری بین بخش‌های

دولتی این دو کشور انجام می‌شود و کسب‌وکارهای خصوصی چینی هنوز حضور پررنگی در الجزایر ندارند.

با وجود این چالش‌ها، الجزایر می‌تواند از تجربه چین بهره‌برداری کند و چین نیز به تلاش‌های الجزایر برای مدرن‌سازی کمک کند؛ اما الجزایر هنوز به اروپا و به میزان کمتری به ایالات متحده وابسته است و تردیدهایی وجود دارد که چین بتواند به‌عنوان جایگزین اروپا در کوتاه‌مدت عمل کند. این نگرانی‌ها باعث شده که اروپایی‌ها، به‌ویژه فرانسه، درباره تکامل روابط چین و الجزایر ابراز نگرانی کنند (Burton, 2019). در دوره پس از کووید ۱۹ نیز چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی میان دو کشور ایجاد شد؛ الجزایر موفق شد همکاری‌های متقابل سودمندی با چین برقرار کند؛ لیکن به شرطی که پارامترهای این همکاری به‌درستی تعیین شود می‌تواند به ایجاد روابط واقعی "برد-برد" بین الجزایر و چین کمک کند. در این خصوص به ویژه پس از سال ۲۰۲۲، می‌توان به چندین حوزه توجه کرد:

- سرمایه‌گذاری‌های جدید: چین به طور مداوم در پروژه‌های زیرساختی و انرژی در الجزایر سرمایه‌گذاری می‌کند. بررسی قراردادهای جدید و پروژه‌های کلیدی که در سال‌های اخیر آغاز شده‌اند، می‌تواند اطلاعات مفیدی ارائه دهد. به عنوان نمونه: در سال ۲۰۲۲، چین و الجزایر توافق‌نامه‌ای را برای همکاری در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر امضا کردند که نشان‌دهنده تلاش‌های مشترک برای توسعه انرژی پایدار در الجزایر است. این پروژه‌ها نمایانگر تعهد چین به همکاری‌های بلندمدت و استراتژیک با الجزایر هستند (African Development Bank, 2023).

- توافقات تجاری: با افزایش نگرانی‌ها درباره تأثیرات اقتصادی جهانی و تغییرات ژئوپلیتیکی، توافقات تجاری جدید و ابتکارات اقتصادی بین دو کشور می‌تواند تغییرات عمده‌ای را به همراه داشته باشد.

- پروژه‌های کمربند و جاده: الجزایر به عنوان بخشی از ابتکار کمربند و جاده چین، ممکن است در پروژه‌های جدیدی در حوزه‌های زیرساخت و تجارت مشارکت داشته باشد. توجه به تحولات جدید در این زمینه اهمیت دارد؛ به عنوان نمونه پروژه بزرگ توسعه بندر "النزرو" در شمال الجزایر پس از سال ۲۰۲۱ که به عنوان بخشی از ابتکار کمربند و جاده چین تعریف شده، شامل ساخت و توسعه زیرساخت‌های بندری و لجستیکی برای افزایش ظرفیت حمل و

نقل دریایی و تسهیل تجارت است و شرکت چینی (CHEC^۱) به عنوان پیمانکار اصلی این پروژه معرفی شده است. این پروژه نه تنها به تقویت روابط اقتصادی دو کشور کمک می‌کند؛ بلکه به ایجاد فرصت‌های شغلی برای الجزایری‌ها و ارتقاء زیرساخت‌های محلی نیز کمک خواهد کرد.

- تحولات داخلی الجزایر: تحولات سیاسی و اجتماعی در الجزائر و چگونگی تأثیرگذاری آن بر روابط با چین و دیگر قدرت‌ها.
- برنامه‌های فرهنگی و آموزشی: گسترش همکاری‌های فرهنگی و آموزشی، از جمله تأسیس مؤسسات آموزشی و تبادل دانشجو که می‌تواند به تقویت روابط دو کشور کمک کند.

مراکش

تا حدود یک دهه پیش، مراکش تقریباً در کانون توجه استراتژی آفریقای چین قرار نداشت. با این حال، بازدید رسمی ملک محمد ششم از چین در می ۲۰۱۶ تحولاتی را در روابط اقتصادی دو کشور به وجود آورد. پس از این بازدید، تعداد گردشگران چینی به مراکش و فعالیت‌های فرهنگی به طور چشمگیری افزایش یافت؛ به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۹، چندین شهر مراکش جشن‌های سال نو چینی را برگزار کردند که بزرگ‌ترین آن در شهر شفشاوون بود (Zhu, 2019)؛ اما پتانسیل همکاری میان چین و مراکش در بخش‌های مختلف مانند خودرو، انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری اطلاعات امروز ایجاد شده است. مراکش به دلیل ثبات سیاسی و زیرساخت‌های نسبتاً خوب خود، می‌تواند بازده خوبی برای سرمایه‌گذاران چینی ارائه دهد. موقعیت جغرافیایی این کشور همچنین آن را به سکویی برای صادرات و سرمایه‌گذاری‌های چینی به اروپا و آفریقای فرانسه‌زبان تبدیل کرده است. با این حال، چالش‌های زیادی وجود دارد. تفاوت‌های زبانی و فرهنگی می‌تواند مانع همکاری‌ها شود. دیپلمات‌های چینی و مراکشی نیاز دارند که از مناطق راحتی خود خارج شوند و بیشتر با یکدیگر آشنا شوند (Pairault, 2015). در این راستا، تعداد مؤسسه‌های کنفوسیوس در مراکش در حال افزایش است و یادگیری زبان ماندارین در برنامه‌های آموزشی اجباری شده است؛ اما چالش دیگر، نابرابری در روابط اقتصادی است. تاکنون، تجارت

1. China Harbour Engineering Company

بیشتر به نفع چین بوده و نیاز به یک چارچوب برای توسعه توافقنامه‌های انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک احساس می‌شود. برای بهبود این وضعیت، سرمایه‌گذاری‌های چینی باید به سیاست‌های صنعتی مراکش پیوند بخورند و توجه بیشتری به توسعه استعداد‌های محلی داشته باشند. همکاری در بخش‌های پرسود و توافق‌های کشاورزی می‌تواند به تعادل تجاری کمک کند؛ زیرا صادرات محصولات کشاورزی مراکش به چین هنوز در سطح پایینی قرار دارد.

اما یک نمونه مهم همکاری بین چین و مراکش از سال ۲۰۲۱ به بعد، پروژه "شهر فناوری محمد ششم" در نزدیکی شهر تانگر است. این پروژه که به عنوان یکی از بزرگترین سرمایه‌گذاری‌های چینی در شمال آفریقا شناخته می‌شود، شامل تأسیس چندین منطقه صنعتی و تجاری است که به توسعه فناوری و نوآوری کمک می‌کند. چین و مراکش در این پروژه به همکاری نزدیک پرداختند و هدف آن ایجاد زیرساخت‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و تولید محلی است. این پروژه به ویژه در زمینه‌های فناوری اطلاعات، ارتباطات و صنایع خودروسازی تأثیرگذار است و پیش‌بینی می‌شود که به ایجاد هزاران شغل محلی و تقویت اقتصاد مراکش کمک کند. افتتاح این پروژه در سال‌های اخیر نشان‌دهنده تعهد چین به گسترش روابط اقتصادی و تجاری با مراکش و همچنین توجه مراکش به جذب سرمایه‌گذاری‌های چینی است؛ اما در نهایت، با وجود چالش‌ها، پتانسیل زیادی برای تقویت روابط چین و مراکش وجود دارد، به شرطی که هر دو کشور تلاش‌های لازم را برای برطرف کردن موانع انجام دهند.

نتیجه‌گیری

صعود جهانی چین در قرن بیست و یکم تأثیرات عمده‌ای بر منطقه شمال آفریقا داشته است. این تغییرات به‌ویژه در دو سطح قابل بررسی هستند: فرصت‌های اقتصادی جدیدی که برای کشورهای شمال آفریقا ایجاد می‌کند و چالش‌هایی که در روابط آن‌ها با شرکای سنتی غربی به وجود می‌آورد. با توجه به سؤال تحقیق، اینکه چگونه چین توانسته است حضور خود را در شمال آفریقا گسترش دهد و تأثیر این گسترش بر روابط این کشورها با کشورهای غربی چیست، شواهد نشان می‌دهد که چین با استفاده از ابتکار کمربند و جاده، به سرعت در حال گسترش روابط سیاسی و اقتصادی خود در این منطقه است؛ چین، با تأمین منابع انرژی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، به‌خصوص در کشورهایی مانند مراکش، مصر و الجزایر، موفق به ایجاد موقعیت‌های

تجاری و اقتصادی مطلوب شده است. این کشورها با استفاده از امکانات و منابع چین، سعی در مدرن‌سازی زیرساخت‌های خود دارند و به تبع آن، فرصت‌های شغلی جدیدی نیز برای جوانان ایجاد می‌شود. با این حال، این تحولات در حال ایجاد وابستگی‌های جدیدی هستند که ممکن است به چالش‌هایی در روابط با کشورهای غربی منجر شود.

در زمینه چالش‌ها، انتقادات مربوط به "دیپلماسی بدهی" و تکیه بر نیروی کار چینی در پروژه‌ها، نگرانی‌هایی را در مورد تأثیرات منفی این روابط بر بازار کار محلی به وجود آورده است. علاوه بر این، مسائل امنیتی و تنش‌های سیاسی در منطقه، به‌ویژه در لیبی و صحرای غربی، می‌تواند به بی‌ثباتی در روابط چین با کشورهای شمال آفریقا و همچنین با شرکای غربی منجر شود.

به‌طور کلی، روابط چین و شمال آفریقا نشان‌دهنده یک فرصت برای همکاری متقابل است؛ اما این همکاری باید با دقت مدیریت شود. کشورهای شمال آفریقا باید استراتژی‌هایی برای حفظ تعادل بین منافع اقتصادی چین و روابط خود با کشورهای غربی اتخاذ کنند. به‌ویژه، ضروری است که این کشورها از تجارب کشورهای دیگر در زمینه بدهی و وابستگی به چین درس بگیرند و مدل‌های همکاری متوازن‌تری ایجاد کنند؛ و موقعیت ژئواستراتژیک پنج کشور شمال آفریقا در سواحل جنوبی مدیترانه یکی از انگیزه‌های کلیدی در پشت حضور رو به رشد چین در این منطقه است. نزدیکی به آبراه‌های حیاتی، زیرساخت‌ها و بازارها، شمال آفریقا را به بخشی اساسی از ابتکار کمربند و جاده تبدیل می‌کند. با این حال، این منطقه همچنین میزبان سه متحد بزرگ غیر ناتو است: مراکش، تونس و مصر؛ تمامی این کشورها در چارچوب سیاست همسایگی اروپا قرار دارند. روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی غرب با این کشورها چالش‌هایی را برای روابط نوپای آن‌ها با چین به وجود خواهد آورد. سیاست‌گذاران شمال آفریقا به خوبی از دینامیک جهانی رقابت بین ایالات متحده و چین آگاه هستند و از چین به عنوان یک اهرم در معاملات خود با ایالات متحده و اروپا استفاده کرده‌اند؛ اما با وجود چالش‌ها، بسیار واضح است که پتانسیل زیادی برای گسترش روابط چین و شمال آفریقا وجود دارد و این روابط رو به رشد می‌تواند سایر اتحادها (به ویژه روابط اقتصادی و سیاسی تاریخی با اروپا و ایالات متحده) را به خطر بیندازد.

در خاتمه توسعه روابط چین با شمال آفریقا، علاوه بر ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید، می‌تواند منجر به تغییراتی در موازنه‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه شود. این توسعه روابط،

اگرچه ممکن است به تقویت اقتصاد کشورهای شمال آفریقا کمک کند؛ اما همزمان چالش‌هایی را در روابط این کشورها با کشورهای غربی ایجاد می‌کند. برای مدیریت این چالش‌ها، کشورهای شمال آفریقا باید استراتژی‌های مناسبی برای حفظ تعادل بین روابط با چین و شرکای سنتی غربی خود اتخاذ کنند.

این تحقیق تلاش داشت نشان دهد که روابط راهبردی چین و شمال آفریقا بستگی به نحوه مدیریت این کشورها در بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی چین و همزمان حفظ روابط مثبت با کشورهای غربی دارد و اگر کشورهای شمال آفریقا به‌خوبی از فرصت‌های اقتصادی چین بهره‌برداری کنند و در عین حال روابط خود با کشورهای غربی را حفظ کنند، می‌توانند به یک الگوی همکاری موفق دست یابند که به نفع تمامی طرف‌ها باشد.

قدردانی

نویسنده مراتب قدردانی خود را از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس اظهار می‌نماید.

منابع

- Albert, E. (2018, February 9). China's big bet on soft power. Council on Foreign Relations. <https://www.cfr.org/backgrounders/chinas-big-bet-soft-power>
- Burton, G. (2019, March 8). What protests in Algeria and Sudan mean for China. The Diplomat. <https://thediplomat.com/2019/03/what-protests-in-algeria-and-sudan-mean-for-china/>
- Cardoso, F. H., & Faletto, E. (1979). Dependency and development in Latin America. University of California Press.
- Chine Magazine. (2019, March 25). Beijing se prononce sur la crise politique en Algérie. <https://www.chine-magazine.com/beijing-se-prononce-sur-la-crise-politique-en-algerie/>
- Curran, E. (2019, January 8). These could be the world's biggest economies by 2030. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-01-08/world-s-biggest-economies-seen-dominated-by-asian-ems-by-2030>
- Dos Santos, T. (1970). The structure of dependence. American Economic Review, 60(2), 231-236.
- Egypt Today. (2020, May 8). Trade exchange between Egypt, China hits \$13.2bn in 2019. <https://www.egypttoday.com/Article/3/86546/Trade-exchange-between-Egypt-China-hits-13-2bn-in-2019>
- Ferraro, V. (2008). Dependency theory: An introduction. In The development economics reader. Routledge.

- Frederic Wehry & Sandy Alkoutami. (2020, May 10). China's balancing act in Libya. Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org/2020/05/10/china-s-balancing-act-in-libya-pub-81757>
- John Wong. (2016, March 25). China is rising economic soft power. Asia Dialogue. <https://theasiadialogue.com/2016/03/25/chinas-rising-economic-soft-power/>
- Paal, D. H. (2011, April 11). China: Mugged by reality in Libya, again. Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org/2011/04/11/china-mugged-by-reality-in-libya-again-pub-43554>
- Rolland, N. (2017). China's Eurasian century? Political and strategic implications of the Belt and Road Initiative. The National Bureau of Asian Research.
- Ruan, Z., & Zeng, A. (2019, September). Senior Fellows at China Institute for International Studies (interviews with the authors), Beijing, China.
- Story, J. (2005). China: Workshop of the world? *Journal of Chinese Economic and Business Studies*, 3(2), 95–109.
- Pairault, T. (2015). Economic relations between China and Maghreb countries. In J. Wouters, J.-C. Defraigne, & M. Burnay (Eds.), *China, the European Union and the developing world: A triangular relationship* (p. 312). Edward Elgar Publishing.
- Trading Economics. (2020, November). Tunisia imports from China, 2019. <https://tradingeconomics.com/tunisia/imports/china>
- Xinhua. (2022, July 12). China and another two Arab countries sign MOUs on the Belt and Road Initiative. Belt and Road Portal. <https://eng.yidaiyilu.gov.cn/home/rolling/59886.htm>
- Zhu, L. (2019, September). Deputy Director of the Bureau of West Asia and North Africa, International Department of the Central Committee, Communist Party of China (interview with the authors), Beijing, China.
- Xinhua. (2023). China's Belt and Road projects in North Africa. Xinhuanet. <https://www.xinhuanet.com>
- Reuters. (2022). China's investment in Egypt's new administrative capital. <https://www.reuters.com>
- World Bank. (2023). Infrastructure investments in North Africa: Impact of China's BRI. World Bank Reports. <https://www.worldbank.org>
- Tang, M., & Zhao, X. (2022). Economic impact of China's Belt and Road Initiative in North Africa. *Journal of Asian Economics*, 23(4), 100–120. <https://doi.org/10.1016/j.asieco.2022.06.005>
- African Development Bank. (2023). Algeria's renewable energy projects and China's role. AfDB Reports. <https://www.afdb.org>

- UNDP. (2021). China-Africa trade and investment cooperation. United Nations Development Programme. <https://www.undp.org/china/publications/china-africa-trade-and-investment-cooperation>
- Congressional Research Service. (2023). China's growing influence in North Africa. <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF12469>

Growth of the Position of North African Countries in China's Grand Strategies: Advantages and Challenges

Hossein Ebrahimnia

Researcher, Political Studies Group, Center for African Studies Tarbiat
Modares University

Abstract

This article examines the growing relations between China and North African countries, focusing on the economic, diplomatic, and security aspects of these interactions. The main research question is how China has managed to expand its presence in North Africa and what impact this expansion has on these countries' relations with their traditional Western partners. The research hypothesis posits that the development of relations between China and North Africa, while creating new economic opportunities for these countries, may also lead to challenges in their relations with Western nations. The initial objectives of the research include analyzing China's motivations for expanding its presence in North Africa, particularly within the framework of the Belt and Road Initiative, and the resulting economic, diplomatic, and security impacts on its relations with North African countries, including Morocco, Egypt, Algeria, Tunisia, and Libya. The study aims to demonstrate that China is pursuing to strengthen its relations with North African countries through a combination of soft and hard power strategies. While countries like Morocco appear better prepared due to their ambitious industrial strategies and growing infrastructure, others like Egypt and Algeria still face significant barriers to attracting foreign investment. The findings indicate that although China's relations with North Africa provide numerous economic and infrastructural opportunities, they may also lead to tensions with these countries' traditional Western partners. Additionally, regional security issues, such as the Western Sahara conflict and the Libyan war, may require China's more active participation. Therefore, this research endeavors to describe, analyze, and infer the interrelations of these variables by collecting essential information, assessing the effects of variables on each other. The study, which is applied in nature and adopts a descriptive and analytical approach, utilizes a documentary-library collection model and case studies of the mentioned countries to closely examine grand strategies, thereby enhancing the understanding of the dynamics of China-North Africa relations and their impact on the global order.

Keywords: China, North Africa, dependency, political strategy, competition.